



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gotfeman.isri.ac.ir>

Volume: 1 ; Number: 1

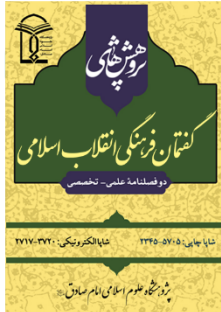
Investigating and analyzing the methods of cultural influence of the rule system against the role and position of religious authority

Bibi Razia Hosseinejad*, Isa Maulvi Vardanjani**

doi: <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.211390>

Received: 2024/4/17 ; Accepted: 2024/7/7

Type of Article: Promotional
(267-292)



Abstract

The phenomenon of cultural influence is one of the most serious dangers facing the system, in line with the conflict between the Islamic Republic and the Islamic Republic in the soft cultural war, which is one of the most central goals of this phenomenon. This research aims to study and investigate the nature and methods of cultural influence against the role of religious authority with a descriptive-analytical library method; Therefore, the question of the current research is, what are the methods of cultural influence of the rule system in dealing with the religious authority? The findings of the research indicate that the enemy seeks to destroy Islamic beliefs through cultural influence with mental management. Among these basic beliefs that guarantee the preservation of the basis of the system and ideals of the Islamic Revolution, is the belief in the authority of the jurist. Also, other findings of the research show that the enemy is working on six axes to destroy this position; These six axes are: theorizing axis, supporting moderate clerics, supporting the idea of secularism, supporting the movement of Shirazis, and influencing the religious houses.

Keywords: Velayat al-Faqih, Cultural Influence, Rule System, Islamic Republic.

*. Graduated from Master of Islamic Revolution, University of Islamic Education, Qom, Iran, r.hoseini2019@naif.com

** . PhD in of the Islamic Revolution, University of Islamic Education, Qom, Iran, Molavi131@gmail.com.



بررسی و تحلیل شیوه‌های نفوذ فرهنگی نظام سلطه علیه نقش و جایگاه ولایت فقیه

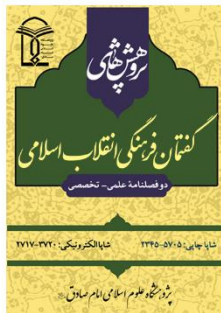
بی بی راضیه حسینی نژاد*، عیسی مولوی وردنجانی**

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.211390>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۷

نوع مقاله: ترویجی

(۲۶۷-۲۹۲)



چکیده

پدیده نفوذ فرهنگی از جدی‌ترین مخاطرات فراروی نظام، در راستای تقابل نظام سلطه با جمهوری اسلامی در جنگ نرم فرهنگی، است که مقابله با ولایت فقیه از محوری‌ترین اهداف این پدیده است. این پژوهش درصدد است، با روش کتابخانه‌ای از نوع توصیفی-تحلیلی، ماهیت و شیوه‌های نفوذ فرهنگی علیه نقش ولایت فقیه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد؛ بنابراین پرسش پژوهش حاضر این است که شیوه‌های نفوذ فرهنگی نظام سلطه در مقابله با ولایت فقیه چیست؟ یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که دشمن در نفوذ فرهنگی، با مدیریت ذهنی به دنبال نابودی باورهای اسلامی است؛ از جمله این باورهای اساسی که ضامن حفظ اساس نظام و آرمان‌های انقلاب اسلامی است، اعتقاد به ولایت فقیه است. هم‌چنین یافته‌های دیگر پژوهش بیان‌کننده آن است که دشمن برای تخریب این جایگاه در شش محور فعالیت می‌کند؛ این شش محور عبارت‌اند از: محور تئوری‌پردازی، حمایت از روحانیون میانه‌رو، حمایت از اندیشه سکولاریسم، حمایت از جریان شیرازی‌ها و نفوذ در بیت‌های مراجع.

واژگان کلیدی: ولایت فقیه، نفوذ فرهنگی، نظام سلطه، جمهوری اسلامی.

*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران، r.hoseini2019@naif.com

** دانش‌آموخته دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران، Molavi131@gmail.com

مقدمه

در عصری که نظام دوقطبی حاکم بود، دو تفکر لیبرال‌دموکراسی و کمونیسم از گفتمان‌های مطرح جهان شناخته می‌شدند و دانشمندان این دو گفتمان بر آن بودند که این دو تفکر را تنها راه پیش‌روی ملت‌ها بدانند و با نفی کارکرد سیاسی و اجتماعی دین و دین‌داری و انکار نقش و تأثیر کارآمد آن در حوزه زندگی انسان، این باور را ایجاد کنند که دین توانایی اداره جوامع بشری را ندارد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، به رهبری امام خمینی علیه السلام، تحولی بزرگ و فراگیری در عرصه جهانی پدید آمد و حکومت دینی بر پایه و محور ولایت فقیه شکل گرفت. با تشکیل نظامی اسلامی که در رأس آن فقیهی عادل و آگاه به مسائل روز قرار داشت، مدل جدیدی از حکومت در جامعه جهانی مبتنی بر لیبرال‌دموکراسی و کمونیسم عرضه شد. بدین ترتیب، نه تنها همه تئوری‌های جهان غرب و شرق به یک‌باره نقش بر آب شد، بلکه بسیاری از ملت‌های جهان پی بردند که در جامعه امروزی، دین می‌تواند با پاسخ به همه نیازهای انسان، جوامع بشری را به سوی سعادت رهنمون سازد.

میشل فوکو نویسنده و تحلیل‌گر فرانسوی در دیدگاه خود نسبت به انقلاب اسلامی و به‌کارگیری دین در سیاست می‌گوید: «اسلام که تنها یک دین ساده و بسیط نیست، بلکه یک روش زندگی، یک وابستگی به تاریخی معین و یک تعلق خاطر به تمدنی مشخص است. اکنون این قابلیت و خطر را دارد که تبدیل به یک انبار مهمات عظیم با توان و ظرفیت صدها میلیون انسان شود.» (فوکو، ۱۳۸۴: ۳۲). فوکو درجایی دیگر اعتراف می‌کند که مذهب شیعه، به مثابه یک نظام فرهنگی، نه تنها افیون توده‌ها نبوده است، بلکه یک ایدئولوژی انقلابی بود که توانست دگرگونی اساسی در همه ابعاد زندگی اجتماعی ایران ایجاد کند (فوکو، ۱۳۹۵: ۲).

با آغاز انقلاب اسلامی، ولایت فقیه که به لحاظ نظری در مبانی فقهی شیعه همیشه مطرح بوده است، ولی زمینه‌ای برای بروز و ظهور نداشت. به تدریج از یک گفتمان حاشیه به متن جامعه راه یافت و توانست با مدیریت امام خمینی علیه السلام در مسیر تحقق آمال انبیا و برقراری حاکمیت الهی در جامعه توفیقات حیرت‌انگیزی کسب کند؛ از این روست که نظام سلطه، موفقیت‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون را جلوه‌ای از تأثیرات روشن

اصل ولایت فقیه دانسته، با فعال‌سازی اردوگاه خبری و رسانه‌ای خود درصدد برنامه‌ریزی و توطئه‌های نرم برآمده و بنگاه اطلاعاتی‌اش را برای به محاق کشیدن ولایت فقیه به راه انداخته است. بدین سان، سؤال اصلی این پژوهش آن است که شیوه‌های نفوذ فرهنگی نظام سلطه، علیه ولایت فقیه چیست؟

با مطالعات صورت گرفته و دقت در منظومه فکری مقام معظم رهبری و تأکید معظم‌له بر جدی گرفتن نفوذ فرهنگی، به نظر می‌رسد که این بُعد از نفوذ، جدیدترین متد غرب برای براندازی جمهوری اسلامی است. نظام سلطه در این راهبرد، در تلاش برای تغییر ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه است؛ باورهایی که اساس بنیادین و شکل دهنده فرهنگ هستند. از جمله این باورهای اساسی، باور و اذعان به اصل ولایت فقیه، به منزله نائب و جانشین عام امام معصوم در زمان غیبت، است.

هدف در این بُعد از نفوذ، اقدام برای تضعیف ولایت فقیه، تغییر رفتار و کاهش حمایت‌های مردمی - در حکم بزرگ‌ترین مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی - است تا از طریق تغییر نگرش‌ها و باورها و در نهایت تغییر رفتارها، زمینه استحاله و فروپاشی از درون را فراهم سازند.

برهمن مینا، از آنجایی که ولایت فقیه به مثابه سنگ بنای زیرین نظام جمهوری اسلامی است و دشمنان انقلاب برای منحرف ساختن نظام، در هر فرصتی مبادرت به مبارزه و مقابله در این باب می‌کنند، این مقاله با هدف ضرورت شناخت شیوه‌ها و روش‌های دشمنان در مواجهه با نقش ولایت فقیه، به منظور اتخاذ راهبرد تقابلی و بررسی همه جوانب و واکاوی و تحلیل زوایای مختلف نفوذ فرهنگی در باب ولایت فقیه، با روش کتابخانه‌ای از نوع توصیفی - تحلیلی، به دو محور پرداخته است؛ در ابتدا، به تبیین ماهیت نفوذ فرهنگی و بیان ویژگی‌ها و اهداف نفوذ فرهنگی پرداخته است؛ پس از آن، ضمن اشاره به علت مقابله نظام سلطه با جایگاه ولایت فقیه، از دریچه چهارچوب تحلیل مبتنی بر نظریه روان‌شناسی اجتماعی، شیوه‌های نظام سلطه علیه نقش ولایت فقیه را ذکر می‌کند.

با بررسی‌های صورت گرفته در منابع مختلف، اثری مستقل با این عنوان کار نشده است،

اما در باب نفوذ و نفوذ فرهنگی، پس از تأکیدات مقام معظم رهبری پژوهش‌های علمی بسیاری صورت گرفته است که عبارت‌اند از:

۱. مقاله فرهنگ، گذرگاه نفوذ در ساحت نظام سیاسی که صرفاً به فرهنگ به منزله مجرای نفوذ سیاسی پرداخته است. این مقاله نگاهی به شایعه و شبهه، دوروش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه، دارد که نویسنده در تلاش است تا به تبیین دیدگاه قرآن درباره این دوروش بپردازد و اثرات آن را در جامعه تشریح کند.

۲. مقاله راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام معظم رهبری که نویسنده درصدد است تا پس از بررسی مفهوم نفوذ و نفوذ فرهنگی، تاکتیک‌های دشمن در عرصه نفوذ فرهنگی را بیان کند و در آخر، راهکارهای مقابله را ذکر می‌کند.

همان‌طور که در سطور بالا گذشت، پژوهش‌های ذکرشده در باب نفوذ فرهنگی به‌طور کلی بوده و تاکنون اثری مستقل که درباره نفوذ فرهنگی علیه جایگاه ولایت فقیه باشد، انجام نشده است و این اثر از جنبه جدید بودن موضوع، دارای نوآوری است.

۱. چهارچوب تحلیل

جنگ نرم_ که نفوذ فرهنگی یکی از راهبردهای آن است_ پدیده‌ای است که در آن دشمن با استفاده از کالاهای فکری و فرهنگی درصدد تغییر افکار و عقاید و مدیریت ترجیحات دیگران برمی‌آید. در این پدیده دشمن برای رسیدن به اهداف خود پیوسته از راهبردهای روانی بهره برده، از روش‌های روان‌شناختی استفاده می‌کند. یکی از این روش‌ها که موردتوجه طراحان جنگ نرم با راهبرد نفوذ فرهنگی است، نظریه روان‌شناسی اجتماعی است. روان‌شناسی اجتماعی تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر را مطالعه می‌کند و درصدد یافتن علل و چگونگی پدیده رفتار، احساسات و افکار افراد در موقعیت‌های اجتماعی است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۷: ۸). همچنان که از تعریف روان‌شناسی اجتماعی و تأکید آن بر رفتار اجتماعی برمی‌آید، برخلاف دیگر رویکردها در این رشته، تغییر نگرش نه به‌طور ضمنی، بلکه به‌صراحت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شاخص‌ترین الگوی تغییر نگرش در روان‌شناسی اجتماعی/ اقناع یا متقاعدسازی است. متقاعدسازی از دهه ۱۹۵۰ موردتوجه کارل

هاولند^۱ و همکارانش قرار گرفت و بر این اساس مبتنی است که آن اصولی که برای کسب مهارت‌های بدنی و کلامی به کار می‌روند، می‌توانند برای چگونگی شکل‌گیری و تغییر نگرش نیز به کار بروند (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۴۲). هاولند و همکارانش معتقدند پذیرش نگرش جدید با سه فرایند مهم توجه، ادراک و پذیرش انجام می‌شود. توجه، به این واقعیت اشاره دارد که شرط اساسی تغییر نگرش آن است که مخاطب در معرض پیام قرار گیرد و به محتوی پیام توجه کند. ادراک، به این نکته اشاره دارد که اگر پیام، پیچیده یا مبهم باشد مخاطب تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرد یا حداقل نتیجه‌گیری مربوط به آن را درک نمی‌کند. پذیرش نیز این مطلب را تداعی می‌کند که قبل از آن که تغییر نگرشی صورت بگیرد، مخاطب باید تصمیم بگیرد که پیام را می‌پذیرد یا نه؟ میزان پذیرش پیام نیز بستگی به تقویت‌های عرضه‌شده دارد. بر همین اساس، وی تأکید می‌کند که تقویت موجود در پاسخ قدیمی باشد (کریمی، ۱۳۸۹: ۲۴۲). با توجه به ظرافت‌ها و شیوه‌های به‌کار گرفته‌شده در نفوذ فرهنگی، به نظر می‌رسد نظریه‌های روان‌شناختی به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی، امروزه کاملاً مورد توجه اتاق‌های فکری دشمنان بوده است و تجارب اجتماعی نیز نشان از تأثیرگذاری بالای تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از این رویکرد را دارند.

۲. رهیافت مفهومی تحقیق

۲-۱. نفوذ

نفوذ به معنای فرورفتن در چیزی، تأثیر گذاشتن بر کسی و راه یافتن پنهانی در گروهی معنا شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۲۵). خارج شدن امری از امر دیگر؛ مانند اینکه تیری از کمانی خارج شود؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ إِنِ اسْتَعْظَمَ أَنْ تَنْفُذُوا؛^۲ ای گروه جنیان و آدمیان اگر استطاعت و نیرو دارید، بگذرید و عبور کنید؛ یعنی برای گریختن و فرار کردن از مرگ بیرون روید».

در معنای اصطلاحی، نفوذ شکلی از قدرت است؛ اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و

1. Karl Hovland

مداخله. نفوذ را می‌توان رابط میان بازیگرانی دانست که به موجب آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست خود آن‌ها نیست، عمل کنند. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید، از جمله وسایلی هستند که فرد به کمک آن‌ها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۶: ۳۱۴).

۲-۲. نفوذ فرهنگی

از آنجاکه فرهنگ یک مقوله اجتماعی است و ریشه در بنیان‌های اعتقادی و یا آداب و رسوم یک جامعه دارد، معمولاً با تقابل صریح نمی‌توان با آن مقابله کرد؛ بلکه باید به صورت خاموش و به شیوه زیرپوستی آن را تغییر داد و از طریق نفوذ و استحاله آن را عوض کرد. در این روش به خاطر تعصبات اجتماعی در خصوص یک موضوع، دشمن به پوسته و ظاهر دست نمی‌زند و سعی می‌کند با نفوذ از درون، ماهیت را تغییر دهد (افراشته و فرمانفرمایی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

نفوذ فرهنگی دستکاری افکار مردم و تغییر محاسبات نخبگان و مسئولان در عرصه‌های فکری و فرهنگی، مبتنی بر جنگ نرم، با هدف تضعیف انقلاب اسلامی و بسترسازی برای استحاله و فروپاشی نظام اسلامی از سوی نظام سلطه است (حمزه پور، ۱۳۹۶: ۲۰). با توجه به این تعاریف می‌توان نفوذ فرهنگی را این‌گونه تعریف کرد: اراده دشمن برای ایجاد دگرگونی و تحول فرهنگ اسلامی به صورت فرایندی، به منظور تحت تأثیر قرار دادن فرایندهای ذهنی و باورهای اساسی با ابزارها و رسانه‌هایی که به طور مستقیم با افکار، اندیشه، احساسات و اراده انسان در ارتباط‌اند، تا در رفتارهای افراد جامعه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر ایجاد کنند.

۳. کالبدشکافی نفوذ فرهنگی

یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ، نفوذ در حوزه فرهنگ جامعه و به موازات آن، زمینه‌سازی برای تغییر ذات‌فقه فرهنگی جامعه است. مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت فرهنگ و نفوذ فرهنگی می‌فرمایند: «تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه‌جا است؛ چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. خیال نکنید که دشمن فقط از جبهه جنگ حمله می‌کند؛

دشمن وقتی در مقابل نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و دید نمی‌تواند از جبهه نظامی بر این انقلاب پیروز شود، سعی می‌کند که در داخل ملت رخنه کند و از درون کار را مشکل نماید؛ یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۱).

نفوذ فرهنگی در میان سایر ابعاد نفوذ از اهمیت دوچندانی برخوردار است و در اولویت قرار دارد. اولویت داشتن نفوذ فرهنگی از این رو مطرح است که در صورت اجرا شدن آن، زمینه نفوذ در تمامی جبهه‌های دیگر انقلاب اسلامی نیز فراهم می‌شود و زمانی که دشمن از راه نفوذ فرهنگی توانست باورهای اساسی جامعه را تغییر دهد، خودبه‌خود راهش را برای نفوذ در سایر عرصه‌ها فراهم می‌کند. همان‌طور که مایکل جونز^۱، محقق آمریکایی، قبل از مذاکرات هسته‌ای به اهمیت نفوذ فرهنگی اشاره کرده و می‌گوید: «با هر توافقی، موضوع جنگ فرهنگی علیه ایران و نفوذ امریکا در ایران افزایش می‌یابد.^۲ همچنین مارک گلن^۳، نویسنده و تحلیلگر آمریکایی، در مصاحبه‌ای با اشاره به تلاش نفوذ فرهنگی برای تغییر در فکر، اندیشه و باور جوانان ایرانی می‌گوید: «داستان اسب تروآ را به یاد آورید؛ آمریکایی‌ها دقیقاً قصد دارند این مسئله را در قبال شما اجرا کنند. از طریق رسانه‌ها آن‌ها می‌خواهند هالیوود را به درون خانه‌های ایرانی بیاورند تا از این طریق جوانان شما را نسخه ایرانی فرهنگ مدنظر خودشان کنند (همان)؛ بنابراین، سست کردن اعتقادات مردم نسبت به ارزش‌های دینی و کمرنگ جلوه دادن تقوا و ایمان در متن زندگی مردم که مایه اصلی آرامش عمومی جامعه است، از اساسی‌ترین اقدامات نظام سلطه به‌ویژه امریکا برای پیاده‌سازی سبک زندگی آمریکایی در راهبرد نفوذ فرهنگی است (طالعی حور و رستم بهرامی، ۱۳۹۶: ۷۸).

دشمن در راهبرد نفوذ فرهنگی همانند جنگ سخت، اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که هدف اصلی در هر دو جنگ، تغییر کامل نظام سیاسی جمهوری اسلامی و از بین بردن

1. Michael Jones

2. www.bulttannews.com

3. Mark Glenn.

حاکمیت دینی است. مقام معظم رهبری تصریح می‌کنند: «هدف اصلی دشمنان عبارت است از نفی حکومت دینی، حکومت اسلامی؛ اصل قضیه برای این‌ها این است و به کمتر از این هم راضی نیستند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۲/۱). درحقیقت، دشمن در جنگ نرم به دنبال اعمال فشار برای ایجاد تغییر در اصول و رفتار نظام و به طور خاص تغییر خود نظام، از طریق نفوذ در فرهنگ و تغییر باورها و ذهنیت‌ها و به تبع آن تغییر در رفتارها، است.

اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، در ۱۹ مرداد^۱، در مصاحبه با وبسایت *Mic* بیان داشت: «در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، حتی اگر تدریجی باشد؛ گذاری که طی آن درک شود که شعار مرگ بر آمریکا و انکار هولوکاست از سوی رهبران ایران و تهدید اسرائیل به ناپودی و دادن اسلحه به حزب‌الله، گروهی که در فهرست تروریستی قرار دارد، و کارهایی از این دست، در چشم بخش اعظم جهانیان کشوری طرد شده می‌سازد. چنین امری نیازمند تغییر در سیاست و رهبری ایران است. تغییر طرز فکر در زمینه رویکرد ایران به بقیه جهان و رویکردشان به کشورهایی مثل ایالات متحده.»^۲؛ بنابراین، دشمنان با راهبرد نفوذ فرهنگی به دنبال ایجاد فضایی برای تغییر تصمیمات سیاسی کشور بوده تا با ناپودی و محو فرهنگ اسلامی، روند ایجاد نفوذ سیاسی و سپس فروپاشی و براندازی از درون جمهوری اسلامی را به همان سبک فروپاشی شوروی - رقم بزنند.

۴. بررسی نقش و جایگاه ولایت فقیه و چرایی دشمنی نظام سلطه علیه ولایت فقیه

یکی از جایگاه‌های والا در جمهوری اسلامی ایران که نقش خود را در عبور از حوادث و بحران‌های پس از انقلاب به خوبی نمایان کرده، جایگاه ولایت فقیه است. در اندیشه امام خمینی^{ره}، معمار کبیر انقلاب اسلامی، ولایت فقیه استمرار خط امام معصوم و علت و دلیل مشروعیت نظام و همه ارکان و اجزای آن است. استمرار امامت به واسطه ولی فقیه که یک عنصر تمدن‌ساز و فرهنگ‌آفرین توحیدی است، هم عامل وحدت و امنیت ملی، هم عامل استحکام و اقتدار نظام و هم موجب وحدت اسلامی است. براین اساس، می‌توان گفت

ولایت فقیه (در مفهوم رهبری) یکی از ارکان و دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است که توانسته علی‌رغم همه توطئه‌ها و تهاجمات گسترده و متنوع دشمنان، بیش از چهار دهه با اقتدار و موفقیت استمرار و کارآمدی خود را در اداره حکومت، حل مشکلات کلان حکومتی، شناسایی و خنثی کردن توطئه‌ها، مهار، کنترل و مدیریت بحران‌ها و صیانت از نظام و قانون اساسی نشان دهد (رک: بی‌نام، ۱۳۸۱: ۲). تقویت این جایگاه و تبعیت محض از ولایت فقیه، یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم برای کشور خواهد بود. با توجه به همین جایگاه و نقش محوری ولایت فقیه است که امام راحل علیه السلام آن را هدیه‌ای الهی دانسته‌اند و می‌فرمایند: «شما موافقت کنید با این ولایت فقیه، ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده است.» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۰۵).

علاوه بر آنچه گذشت، ولی فقیه (در مفهوم رهبری) عامل بیداری و جوشش توده‌ها و محور وحدت و انسجام مردم است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «آنجایی که می‌خواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم می‌دهد؛ آنجایی که می‌خواهند یک توطئه سیاسی بین‌المللی برای ملت ایران به وجود آورند، رهبری است که قدم جلو می‌گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می‌دهد؛ آنجایی که می‌خواهند در بین جناح‌های گوناگون مردم اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می‌آید مایه الفت و مانع از تفرقه می‌شود؛ آنجایی که می‌خواهند صندوق‌های انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوق‌های رأی دادن مأیوس نمایند، رهبری است که به مردم الگو می‌دهد و می‌گوید انتخابات وظیفه است؛ آنگاه مردم اعتماد می‌کنند و پای صندوق‌ها می‌آیند و حماسه می‌آفرینند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۵).

نگاهی به تاریخ ۴۱ ساله انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که موفقیت‌های انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف، حاصل تدبیر، مدیریت و رهبری ولی فقیه بوده و تأثیر این جایگاه در انسجام و هماهنگی ارکان نظام و همین‌طور جامعه و به تبع کارآمدی نظام غیرقابل انکار است؛ از این رو، جبهه کفر و استکبار جهانی که به نقش بی‌بدیل این جایگاه کاملاً واقف‌اند، به دنبال تخریب آن در اذهان و افکار عمومی با ابزارها و شیوه‌های متعدد هستند تا راه رسیدن

به اهداف خود را که همان براندازی و تجزیه طلبی است، با مخدوش کردن این نقش محوری و حیاتی هموار کنند.

۵. شیوه‌های نفوذ فرهنگی نظام سلطه علیه ولایت فقیه

همان‌طور که گذشت، در فضای سیاسی جمهوری اسلامی، نهاد ولایت فقیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به دلیل اهمیت ویژه این نهاد، از اصلی‌ترین اهداف نظام سلطه در راهبرد نفوذ فرهنگی است. نظام سلطه در راهبرد نفوذ فرهنگی از شیوه‌ها و تاکتیک‌های متعددی بهره می‌برد که در این بخش از پژوهش سعی می‌شود تعدادی از شیوه‌های مورد استفاده دشمن در جهت تخریب جایگاه ولایت فقیه معرفی شوند:

۵-۱. بُعد تئوری‌پردازی

از مهم‌ترین اقدامات نظام سلطه و اولین مرحله از کارویژه‌های دشمن، در راستای تخریب جایگاه محوری ولایت فقیه و زیر سؤال بردن مشروعیت و مقبولیت آن، تئوری‌پردازی است. در این راهبرد فرهنگی عوامل و مهره‌های نفوذی دشمن با تألیفات متعدد، به تحریر و جمع‌آوری نظرات خود و یا دیگر مخالفان ولایت فقیه اقدام کرده و با طرح شبهات گوناگون و مباحث محکم و متشابه، مخاطبینی را که در مباحث فقهی از علم لازم بهره‌مند نبوده‌اند، دچار سردرگمی و حیرت می‌کنند؛ به گونه‌ای که سخن نویسندگان را سخن حق تلقی می‌کنند. از جمله این تألیفات که در باب تئوری‌پردازی صورت گرفته است عبارت هستند از:

۵-۱-۱. تألیف کتاب، مقاله، نشریه و ماهنامه

کتاب‌ها و مقالات، جلوه‌گاه اندیشه در تشکیل افکار، اعتقادات و باورها هستند که نقش بسیار مهمی را در تحول فرهنگی هر جامعه‌ای دارند. تألیف کتاب، رمان، مقاله و روزنامه، از سناریوهای نظام سلطه در چشم‌انداز درازمدت در تقابل و دشمنی با اصل ولایت فقیه، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا همواره تأثیرگذاری نوشته‌ها در برهه‌ای طولانی رخ می‌دهد.

از اقداماتی که دشمنان انقلاب اسلامی در این مسیر انجام می‌دهند، تربیت نویسندگانی به اصطلاح روشنفکر است که بتوانند با قلم فرسایی اهداف مورد نظر را بر روی کاغذ پیاده

کنند. در همین راستا، نظام استکبار جهانی به منظور رسیدن به اهداف خود، نظیر طراحی نظام سیاسی مطلوب خود در جمهوری اسلامی، با تولید ادبیات علمی، به نهادینه کردن اصول لیبرالیسم و سکولاریسم، و سپس به تربیت نویسندگان همت گماردند. از جمله نویسندگان تربیت شده در نظام غربی که کتاب‌ها و مقالات بسیاری در دشمنی با اصل ولایت فقیه به رشته تحریر درآورده‌اند، می‌توان از افرادی چون سعید حجاریان، عبدالکریم سروش و محسن کدیور نام برد که ابتدا، افکار خود را از طریق حلقه کیان و سپس حلقه‌های دیگری چون راه نو، حلقه آیین و حلقه سلام، و روزنامه‌هایی مانند همشهری و سازندگی منتشر می‌کردند (الفت پور، ۱۳۹۶: ۱۸۹). این حلقه‌ها که وظیفه نظریه‌پردازی علیه ولایت فقیه را برعهده داشتند، برای پیشبرد اهداف خود در دهه هفتاد، اقدام به یارگیری و ارتباط با افرادی کردند که زمینه و گرایش به چنین موضوعاتی را داشتند و به همین دلیل، روی اشخاصی چون محسن کدیور، سعید حجاریان و عبدالکریم سروش متمرکز شدند. افکار این افراد از سوی این حلقه‌ها بر روی کاغذ پیاده و سپس منتشر می‌شدند. هرچند شخص محوری این حلقه‌ها محمد خاتمی بود، اما افرادی چون کدیور و حجاریان در فعال کردن هرچه بیشتر این محافل نقش مهمی داشتند (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). حسینعلی قاضیان، از اعضای اصلی تشکیل دهنده حلقه سلام و متهم ردیف اول پرونده جاسوسی مؤسسه آینده، در جریان بازجویی خود به انحراف عقیدتی خود و این حلقه‌ها اشاره کرده، می‌گوید: «ما از نظر فکری دچار انحراف بودیم و مبنای فکری ما به گونه‌ای بود که آمریکایی‌ها آن را موردتوجه قرار می‌دادند و احياناً افکار ما را در مسیر خود ارزیابی می‌کردند. نوع اعتقادات ما برحسب اندیشه‌های دکتر سروش باعث شکاف هرچه بیشتر بین افکار ما با مبانی انقلاب می‌شد و به همان میزان، به افکار و امیال آمریکایی‌ها که خواهان براندازی نظام جمهوری اسلامی بودند، نزدیک می‌شدیم (الفت پور، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

به این ترتیب روشنفکران تربیت شده در این حلقات که مهم‌ترین پایگاه معرفتی و نظریه‌پردازی اصلاحات می‌باشند، مبارزه علنی و مستقیم خود را در ضدیت با ولایت فقیه به طور گسترده آغاز کردند؛ از جمله این آثار می‌توان به دو کتاب نظریه‌های دولت در فقه

شیعه و ابتدال مرجعیت شیعه اشاره کرد. نیز مقالاتی نظیر ولایت فقیه و مردم‌سالاری، نوشته محسن کدیور و مقاله‌های حریت و روحانیت، رازدانی و روشنفکری و دین‌داری، از عبدالکریم سروش، و مقاله‌های چهل سالگی، آغاز پایان یا آغازی نو و حکیم حاکم افلاطونی، نوشته سعید حجاریان، در این راستا به رشته تحریر درآمده‌اند. امروزه با تغییر تاکتیک‌ها، این افراد و افرادی دیگری همچون تاج‌زاده، عباس عبدی، قوچانی و دیگر اعضای جبهه اصلاحات تلاش می‌کنند تا در محیط‌های رسانه‌ای، چون شبکه‌های پیام‌رسان و توئیتر، علیه جایگاه ولایت فقیه فعالیت داشته باشند.

۵-۱-۲. ایجاد جنگ روانی علیه ولایت فقیه با هجمه‌های رسانه‌ای

۵-۱-۲-۱-۵- ساخت فیلم و مستند

از مهم‌ترین اهداف دشمن در راهبرد نفوذ فرهنگی، تغییر باورها و ذهنیت‌هاست و در این مسیر، رسانه در نقش ابزاری جمعی و فراگیر که قابلیت دسترسی آسان را نیز فراهم کرده است، نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کند. غرب با استفاده از قدرت ارتباطات و فناوری رسانه‌ای خود با ساخت مستندهای دروغین، فیلم‌ها و تیزرهای مختلف، به تبلیغ سوء از انقلاب اسلامی پرداخته و ذهن‌ها را به سمت مخالفت با انقلاب اسلامی می‌کشانند (خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۳). از زمره فعالیت‌های رسانه‌ای دشمن که در تقابل با انقلاب اسلامی و به‌ویژه در ضدیت با ولایت فقیه ساخته می‌شود، ایجاد جنگ روانی علیه ولایت فقیه و رهبری، با ساخت فیلم‌ها و مستندهای دروغین است؛ به‌طور نمونه، مستند بهتان که توسط شبکه بی‌بی‌سی فارسی به کارگردانی حسین باستانی تهیه پخش شده است،^۱ به بحث مباهته از نظر ریشه‌های مذهبی و استفاده سیاسی می‌پردازد. حاصل کل این برنامه این است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران یک اندیشه بنیادی دارد، مبنی بر اینکه حفظ نظام به هر قیمتی واجب است و براین اساس، ارتکاب هر عمل ضداخلاقی، از تهمت و دروغ و بهتان به مخالفین نظام، جایز بوده و آبروی افراد، وقتی که پای دفاع از نظام در میان باشد، اهمیتی ندارد و این اندیشه‌ای است تئوریزه شده که اصل حاکم بر سیاست جمهوری اسلامی در

۱. این مستند در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۹ پخش شده است.

برخورد با مخالفین و منتقدان نظام را براساس سخنان بنیان‌گذار آن توجیه می‌کند.^۱ دستمایه این دروغ بزرگ، قرار دادن دو فراز چندثانیه ای تقطیع شده از دو سخنرانی مفصل حضرت امام خمینی در سه بخش، در لابه لای چندین مطلب راست و دروغ است. شبکه بی بی سی درحالی اقدام به تهیه این مستند کرده است که مطالعه اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای دامت‌السلام به روشنی این ادعا را رد می‌کند. بازخوانی اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام و دقت در مبانی اخلاقی و فتاوی ایشان، گویای این است که اساساً از نظر امام علیه السلام و مقام معظم رهبری هرگونه تجاوز از مرزهای شرع، اخلاق و تعدی به حقوق قانونی اشخاص، بدون استثنا و نسبت به هرکس، اعم از موافق و منتقد و مخالف، جایز نبوده و محکوم است. از دیگر مستندهایی که شبکه‌های معاند تهیه و تنظیم کرده‌اند، می‌توان مستند رازهای زندگی خامنه‌ای را با کارگردانی محسن مخملباف نام برد. این مستند که تصویری دروغین از زندگی خصوصی و ثروت مقام معظم رهبری به تصویر کشیده است، پس از فتنه ۱۳۸۸ و تأثیر کلام مقام معظم رهبری در خاموش کردن آن، به منظور تخریب این جایگاه در فضای مجازی پخش شد. هرچند این مستند موجب تمسخر خیلی‌ها در داخل و خارج شد، چون بدبین‌ترین افراد به نظام نیز ادعاهای مخملباف را کذب محض دانسته و آن را اثری بسیار سبک و بعضاً به‌دوراز ارزش هنری بیان کردند؛ به طوری که رادیو صدای آمریکا در یکی از برنامه‌های خود، ادعای تجملاتی بودن رهبر جمهوری اسلامی را مردود شمرده و به ساده‌زیستی و زندگی به دور از تجملات رهبری اشاره می‌کند.^۲ علاوه بر این، مقام معظم رهبری در همه حال تمام مسئولین و خانواده خود را به ساده‌زیستی توصیه کرده‌اند و ساده‌زیستی ایشان برای همگان مشخص است؛ به طوری که به تصریح دوست و دشمن، ایشان ساده‌زیست‌ترین رهبر جهان هستند.

از دیگر مستندهایی که می‌توان به آن اشاره کرد، مستند ولایت مطلقه فقیه است که از شبکه بهایی من و تو بازپخش شده است. در این مستند افرادی که درگذشته تحصیلات

1. www.khabaronline.ir/news/

2. www.jamnews.ir

حوزوی داشته‌اند، به بحث درباره ولایت فقیه پرداخته و ضرورت آن را انکار و سعی در تخریب امام خمینی علیه السلام می‌کنند. این مستند در حالی تهیه شده است که مصاحبه‌کنندگان آن در پایین‌ترین سطوح حوزه تحصیل کرده‌اند و بدیهی است از درک مسئله ولایت فقیه و ضرورت آنکه نیازمند سال‌ها تحصیل و فراگیری فقه است، عاجز هستند. قابل‌ذکر است که هم‌اکنون این افراد نه تنها حوزوی نبوده، بلکه در خارج از ایران با شبکه‌های جاسوسی و رسانه‌های معاند بالاترین سطح همکاری را داشته و تلاش وافر برای ضدیت با نظام اسلامی دارند.

۵-۱-۳. شبهه افکنی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فلسفه سیاسی اسلام با محوریت نظریه ولایت فقیه حاکمیت یافت و به تبع، مظهر سیاسی لیبرالیسم در ایران که در ساختار رژیم پیشین متجلی بود، در حاشیه و در معرض زوال قرار گرفت؛ این امر شکست بزرگی برای مکاتب مادی غرب به‌شمار می‌رفت. براین اساس، سران نظام سلطه رویارویی سختی را با نظام اسلامی در دستور کار قرار دادند و به خود وعده شکست زود هنگام نظام را می‌دادند؛ اما شکست غرب در تقابل سخت‌افزاری نشان داد که نظام مبتنی بر ولایت فقیه استوارتر از گذشته به مسیر الهی خود ادامه می‌دهد؛ از این رو، برای مبارزه با ولایت فقیه اقدام به شبهه‌افکنی گسترده و ایجاد تردید نسبت به کارایی حکومت دینی کردند. مقام معظم رهبری در این رابطه تصریح می‌فرماید: «امروز شبهه‌های مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی در متن جامعه تزریق می‌شود. هدف این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از این ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهن‌ها مخدوش کند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹). از جمله این شبهات عبارت‌اند از:

۵-۱-۳-۱. القای ناکارآمدی حکومت دینی

مقصود از حکومت دینی، گونه‌ای از نظام سیاسی است که دین‌مدار و هماهنگ با دین و براساس دین باشد و در هیچ زمینه‌ای با آموزه‌های دینی در تعارض و ناسازگاری نباشد که

البته در این بحث، دین اسلام محور سخن است (شاکرین، ۱۳۹۱: ۹۶).

القای ناکارآمدی حکومت دینی، محور اصلی جنگ روانی دشمن است. ناامید کردن مردم به واسطه سیاه‌نمایی و القای ناتوانی و ناکارآمدی حکومت در حل مسائل و بحران‌های اقتصادی، به منظور ایجاد شکاف بین مردم و مسئولین و به‌ویژه ایجاد شکاف بین مردم و ولی فقیه به‌عنوان سکان‌دار نظام اسلامی، از مواردی است که دشمنان به‌واسطه زیرمجموعه‌های خود در شبکه‌های اجتماعی در حد وسیعی منتشر می‌کنند و بدین ترتیب، زمینه بی‌اعتمادی مردم به نظام و سپس نافرمانی‌های مدنی، آشوب‌های خیابانی و ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی فقط به دو موضوع می‌توانند امید داشته باشند؛ یکی اینکه ناکارآمدی نظام را به مردم القا کنند؛ یعنی بگویند این نظام نمی‌تواند خواسته‌های مردم را برآورده کند و با القای آن به مردم، ارتباط مستحکم مردم با نظام اسلامی را از بین ببرند. دوم دسته‌بندی و اختلاف ایجاد کنند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۱).

۵-۱-۳-۲- القای تقابل بُعد مردم‌سالاری با نظام ولایت فقیه

القای تقابل بین نظام ولایت فقیه با مردم‌سالاری از دیگر شبهاتی است که در این زمینه مطرح می‌شود. در این شبه برخی اصل مشروعیت الهی و ولایت فقیه را در چالش با مردم‌سالاری دانسته و این حاکمیت را به معنای بی‌اعتنایی به نقش مردم و نادیده‌انگاری عقلانیت و خردورزی آن‌ها می‌دانند (کدیور، ۱۳۸۳: ۶۸). این شبه درحالی مطرح می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه و عنایات ویژه‌ای برای نقش مردم قائل است؛ به‌گونه‌ای که همه مسئولان نظام از رهبر تا شوراها و اسلامی با آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. هم‌چنین در این نظام سیاسی، مردم حق رأی و دخالت در تعیین سرنوشت و نحوه حکومت دارند و شکل حکومت و قانون اساسی آن با رأی مردم تعیین شده است؛ به‌گونه‌ای که با انتخاب رهبر از سوی خبرگان به‌طور غیرمستقیم و در انتخاب مسئول قوه مجریه و نمایندگان قوه مقننه به‌صورت مستقیم دخالت دارند.

مقام معظم رهبری از این روش حکومتی به مردم‌سالاری دینی تعبیر فرموده، نظام

جمهوری اسلامی را تنها نظام مردم‌سالار دینی در جهان معرفی می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴)؛ بنابراین، پرواضح است که این نظام سیاسی با قائل شدن جایگاه ویژه برای مردم و نیز حضور گسترده مردم در صحنه‌های مختلف موجب عصبانیت و رنجش قدرت‌های بزرگ شده باشد.

۱-۵-۳. شبهه ایجاد ناسازگاری بین نظام ولایی و آزادی انسان

از دیگر شبهه‌هایی که منافقین داخلی و عمال نظام سلطه در جامعه رواج می‌دهند، تضاد و تعارض نظام ولایی با آزادی انسان است؛ به این صورت که ادعا می‌کنند عصر جدید، عصر آزادی و حاکمیت اراده انسانی است و نه عصر قانون، دین و حاکمیت خداوند متعال بر انسان، و انسان‌محوری با خدامحوری قابل جمع نیست. اومانیسیم یا انسان‌مداری، نوعی جهان‌بینی است که براساس آن، انسان سرچشمه تمام ارزش‌هاست و سایر اشیای عالم تنها در خدمت انسان هستند و هیچ حقی به خودی خود برای غیر در نظر گرفته نمی‌شود (نبویان، ۱۳۸۱: ۲۶).

این درحالی است که در فرهنگ والای اسلامی، پذیرش نظام ولایی و حرکت بر مبنای قانون، حیات طیبیه انسانی را به دنبال دارد و هیچ‌گاه ارزش‌های انسانی همراه اختیاراتی که برای او در نظر گرفته شده است با نظام ولایی متکی بر قانون، در تضاد و مقابله نیست. انسان با انتخاب آگاهانه و آزادانه خود نظامی ارزشمند را برمی‌گزیند و مبنای حرکت و هدف به‌سوی سعادت خود قرار می‌دهد و این همان نظام ولایی است که هیچ تضادی با آزادی انسان ندارد.

۲-۵. حمایت از جریان روحانیت غیرانقلابی

منابع خارجی، از همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی، جریان حوزوی را به دو جریان عمده تقسیم می‌کنند. هیرو^۱ جریان اولی را که دخالت در سیاست را وظیفه علما نمی‌دانست، میانه‌رو و فرد شاخص آن را شریعت‌مداری معرفی می‌کند و جریان دوم را روحانیون انقلابی، با محوریت حضرت امام می‌داند که به دخالت روحانیت در سیاست معتقد بودند (هیرو،

۱۳۸۶). جریان روحانیت غیرانقلابی که از نظر منابع خارجی میانه‌رو نامیده می‌شدند و با مبانی فکری آن‌ها سازگاری بیشتری داشت، تمجید و حمایت شدند. درباره شخص شاخص این جریان، آیت‌الله شریعتمداری، از تعابیر بلندی استفاده کردند؛ از جمله دموکرات، لیبرال (فوران ۱۳۷۷: ۵۳۹) باسواد و زیرک (کدی، ۱۳۷۵: ۳۵۸) و درمقابل، کوشیدند با اشاره به تقابل امام با ایشان، جریان حضرت امام و روحانیت انقلابی را کم‌اهمیت و تعبیر جریان روحانیون افراطی را به امام نسبت (فوران، ۱۳۷۷: ۵۳۹) و جریان شریعتمداری را جریان اصیل و موردقبول مراجع بزرگ جلوه دهند و اذعان می‌داشتند که آیت‌الله‌های بزرگ و روحانیون طراز اول به شریعتمداری نزدیک‌ترند و روحانیون سطح پایین اطراف امام هستند (کدی، همان، ۳۵۹). همچنین تنها اقلیتی از ده‌ها هزار روحانی، نظریه اسلام مبارز امام را قبول کردند (فوران، همان، ۵۸۷). مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «دشمنان انقلاب از روز اول آمدند ادبیات تندرو و میانه‌رو را مطرح کردند. فلانی تندرو و فلانی جریان میانه‌رو است. آن روز، از همه تندروتر هم از نظر آن‌ها امام بزرگوار بود. امروز هم، از همه تندروتر به نظر آن‌ها این بنده حقیر هستم.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۵). «آن‌هایی که امروز می‌گویند تندرو، منظورشان کسانی است که در راه انقلاب مصمم‌تر و پایدارترند؛ حزب‌اللهی‌ها را می‌گویند تندرو، و میانه‌رو هم کسی است که در مقابل آن‌ها تسلیم باشند.» (همان).

در همین راستا، کنت تیمرمن^۱، عضو برجسته سازمان سیا، در میزگرد فصلنامه آمریکایی خاورمیانه در تیرماه ۱۳۷۷، آشکارا و به صراحت در زمینه براندازی و تغییر حکومت سیاسی ایران می‌گوید: «ما باید از روحانیون میانه‌رو و دموکرات‌های خواهان تغییر حکومت در ایران حمایت سیاسی و معنوی کنیم.» (نائینی، ۱۳۹۱: ۳۹۹). او با ما^۲، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، نیز از اصطلاح میانه‌رو استفاده می‌کند و درباره توافق هسته‌ای می‌گوید: «به نظر من تندروهایی در داخل ایران حضور دارند که فکر می‌کنند مخالفت با ما، تلاش برای از بین بردن اسرائیل، ایجاد ناامنی در جاهایی مثل سوریه یا یمن یا لبنان کار درستی است. به نظر

1. Kenneth Timmerman

2. Obama

من در داخل ایران کسان دیگری هم هستند که معتقدند این کار، سازنده نیست. اگر ما این توافق هسته‌ای را امضا کنیم، این امکان وجود دارد که موضع این نیروهای میانه‌رو را در داخل ایران تقویت کنیم.» (نبویان، ۱۳۹۴).

۳-۵. حمایت از اندیشه سکولاریسم

سکولاریست‌ها با این استدلال که دین مربوط به آخرت، و سیاست مربوط به امور دینی است، بر جدایی دین از سیاست اصرار می‌ورزند. شروع سکولاریسم در قرن ۱۷ میلادی بود، اما در قرن ۲۰ به کل دنیا و نیز کشور ایران سرایت کرد (عبدخدایی و بیات، ۱۳۹۶: ۱۵۲). روشنفکران تحصیل کرده غرب، به تدریج به گسترش اندیشه سکولاریسم همت گمارده و با قرار دادن دین و سیاست در مقابل هم، فرایند سکولاریزاسیون را رقم زدند. این در حالی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی، بنیان عینی اسلام سیاسی، با هدف بازگرداندن دین به عرصه‌های مختلف و استقرار حکومت جهانی دینی، گذاشته شد. انقلاب اسلامی با تشکیل نوعی جدید از حکومت که پایه و اساس آن را حاکمیت فقیه تشکیل می‌دهد، معتقد به پیوند دین و سیاست بوده و تأکید می‌کند میان اسلام، به مثابه برنامه‌ای جامع برای زندگی، و سیاست، به منزله ابزار لازم جهت تحقق این برنامه، پیوند ذاتی وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۶: ۹۶).

اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی با کارآمد نشان دادن دین در اداره جامعه و با پیشرفت‌های متعددی که در عرصه‌های گوناگون رقم زد، نه تنها نظم بین‌المللی را زیر سؤال برد، بلکه ناتوانی نظام بین‌الملل مبتنی بر اندیشه سکولاریسم را در تحقق وعده‌های خود نیز نشان داد و از این منظر، به تهدیدی جدی برای نظام سلطه درآمد. براین اساس، از اقدامات نظام سلطه در مبارزه با حکومت دینی و اصل ولایت فقیه، حمایت از اندیشه سکولاریسم است که از جمله این اقدامات می‌توان تلاش برای نفوذ روشنفکران غرب زده در پست‌های حساس و کلیدی را نام برد.

از جمله این روشنفکران، می‌توان به سید محمد خاتمی اشاره کرد. وی با شعار جامعه مدنی و آزادی و با حمایت طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان و حمایت غرب توانست برای دو

دوره رئیس دولت شده و از این طریق اندیشه‌های غربی خود را در بطن جامعه رواج دهد. از نظر خاتمی، شکل‌گیری جامعه مدنی درحقیقت پیش‌نیاز تشکیل یک نظام سیاسی سکولار، مبتنی بر قرارداد اجتماعی موردنظر هابز، لاک و روسو است؛ به نحوی که جامعه بدون کمترین توجهی به دین و با این پیش‌فرض که حاکمیت نه یک حق الهی، بلکه امری بشری است، مشروعیت حکومت بر مردم طی قراردادی به یک فرد یا گروه سپرده می‌شود. اساساً شگرد خاتمی و مأموریتی که چهره‌های شاخص روشنفکری دینی برای خود قائل بودند، نقادی مبانی دین بود. خاتمی و جریان موسوم به روشنفکر دینی که در این زمان بیش از دولت‌های قبل فعال بودند، دین را به گونه‌ای معرفی می‌کرد که پاسخگوی هیچ نیازی از نیازهای بشر نیست (الف‌پور، ۱۳۹۶: ۱۸۸). یکی از اقدامات اجرایی دولت اصلاحات در راستای تعمیم پروژه سکولاریسم، دعوت متمادی از فیلسوفان لیبرال و ترویج تفکر سکولاریسم با وجهه علمی در سطح نخبگان بود. از سال ۸۰ تا ۸۴، بیش از هفت نفر از فیلسوفان برجسته انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و آلمانی، به دعوت مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها که در آن زمان عطاءالله مهاجرانی از سوی محمد خاتمی به ریاست این نهاد برگزیده شده بود، به ایران سفر کردند و در جمع‌های دانشجویی به ایراد سخنرانی پرداختند. در سال ۱۳۸۱، یورگن هابرماس^۱، فیلسوف آلمانی، به ایران دعوت شد و در اجلاسی با عنوان پروژه ناتمام مدرنیته تأکید کرد: «دین برای بقا در جامعه مدرن، راهی جز پیوند یافتن با حاکمیت مردم و حقوق بشر ندارد.» و جان کلام اینکه، مردم و روشنفکران جامعه ایران مجبورند درد ناگزیر زایمان سکولاریزاسیون را برای پیشرفت تحمل کنند.^۲

۴-۵. حمایت از جریان شیرازی‌ها (شیعه انگلیسی)

یکی از ابزارهای مهم و کارآمد قدرت‌های استکباری برای استعمار امت اسلامی، دمیدن در آتش اختلافات میان مذاهب اسلامی و برجسته کردن شکاف‌های اجتماعی میان امت اسلامی است (معینی‌پور، ۱۳۹۱: ۹۴). به این منظور، برای ایجاد شکاف هرچه بیشتر بین

۱. Jurgen Habermas

۲. جوان آنلاین، ۹۷/۴/۳۰

اهل تشیع و اهل سنت، جریان‌های تندرو و افراطی موسوم به جریان شیرازی در چند سال اخیر قوت گرفته است و در حال رشد و نمو است. این جریان افراطی و ناآشنا با مبانی اسلام که شخصی به نام سید صادق شیرازی در داخل کشور نمایندگی آن را به عهده دارد، بدون نگاه به مکان و زمان و بدون توجه به مسائل جاری در جهان اسلام، به اشاعه بدعت‌هایی می‌پردازد که نتیجه آن جز بدنامی شیعیان در جهان نیست.

شیعه انگلیسی فرقه‌ای که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان یک تهدید یاد کرده‌اند، فرقه‌ای تندروست که به حمایت دولت انگلیس و سرویس اطلاعاتی این کشور جان گرفته است و دست کشور انگلیس در هدایت و پشتیبانی از این فرقه تا حدود زیادی هویدا شده است (گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۸: ۷۷).

حمایت از تأسیس چندین شبکه ماهواره‌ای در کشور انگلیس، به قصد اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی و اجازه فعالیت در راستای ترویج عزاداری‌های خشن و به‌دوراز‌شان اهل بیت از جمله این پشتیبانی‌هاست. البته در ورای فعالیت این فرقه افراطی و غریبه با اسلام، اهداف بلندمدت دیگری نیز در سر توطئه‌گران پرورانده می‌شود که از جمله می‌توان تقابل با انقلاب اسلامی و اصل ولایت فقیه را نام برد؛ به گونه‌ای که در تمام سخنرانی‌هایی طیف شیرازی، حمله به اصل ولایت فقیه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم دیده می‌شود و علاوه بر این، سید صادق شیرازی اجازه فعالیت سیاسی و مشارکت سیاسی را برای طرفداران خود ممنوع کرده است (همان).

۵-۵. نفوذ در بیوت مراجع

نفوذ در بیوت مراجع از دیگر اقدامات دشمنان برای مبارزه با اصل ولایت فقیه است، تا با ایجاد اختلاف بین بیوت مراجع، امکان تسهیل اهداف سیاسی خود را فراهم آورند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «نفوذ دوجور است: یک نفوذ موردی و فردی است؛ یک نفوذ جریان‌ی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد؛ گاهی جاسوسی است، گاهی بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند؛ شما یک مدیری هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، او می‌آید کاری می‌کند که شما

جوری حرکت انجام بدهی که به نفع دشمن باشد؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند این‌ها هم همیشه وجود داشته است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۹/۴).

در راستای تذکرات مقام معظم رهبری درباره توجه به نفوذ دشمن در بیوت و حوزه‌های علمیه، وزیر وقت اطلاعات در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نیز نسبت به تلاش دشمن برای نفوذ در حوزه‌های علمیه اشاره کرده و هشدارهای لازم را توصیه کردند. هم‌چنین نوری‌زاده، مجری و کارشناس تلویزیون‌های ماهواره‌ای و جاسوس باسابقه سرویس اطلاعاتی انگلیس، در یکی از برنامه‌های اختصاصی خود ضمن تشریح روند فعالیت‌های جاسوسی‌اش، سخنان وزیر اطلاعات را تأیید کرده و از جزئیات اقدام خود و همکارانش برای نفوذ در بیوت مراجع معظم تقلید خبر داد: «آقای مصلحی درست می‌گوید که دشمن در حوزه‌های علمیه نفوذ کرده، خود من یکی از همان دشمن‌ها هستم. تقریباً هر روز با بسیاری از روحانیون مخالف حکومت که در حوزه‌های علمیه حضور دارند در تماس هستم؛ ایمیل برای همدیگر می‌فرستیم و با تلفن‌هایی که قابل پیگیری نیستند باهم صحبت می‌کنیم و اطلاعات ردوبدل می‌کنیم. در جریان سفر آقای خامنه‌ای به قم، تقریباً ساعت به ساعت اخبار سفر ایشان از طریق بیوت مراجع و فضلالی حوزه علمیه قم به دست من می‌رسید.» (شهید هادی، همان، ۵۷).

از مصادیق رسوخ نفوذ عناصر نظام سلطه در بیوت مراجع، می‌توان به رسوخ باند مهدی هاشمی در بیت آقای منتظری نام برد که منجر به تغییر موضع آقای منتظری و ایستادن در مقابل امام خمینی علیه السلام و انحراف از قانون و سوء استفاده از قدرت شد. این امر مشکلات بسیاری را برای نظام در آن شرایط حساس کشور به وجود آورد (عباس تبار و حسینی، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش شیوه‌های نفوذ فرهنگی نظام سلطه در مواجهه با نقش ولایت فقیه مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌های پژوهش، پیروزی انقلاب اسلامی باعث تحول در

نظام سیاسی شد؛ به گونه‌ای که نظام سیاسی سلطنت، تبدیل به نظام مردم‌سالاری دینی شد؛ به این معنا که مردم در تعیین تمام سرنوشت خود، سهیم و تمامی انتخاب مدیران با انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم آن‌ها صورت می‌گیرد و در رأس این نظام سیاسی، به منظور جلوگیری از انحراف و فساد، شخصی آگاه به مسائل دینی و مسلط بر امور سیاسی، مدیریت جامعه را به دست می‌گیرد که بر حسب ادله نقلی و عقلی، ولی فقیه است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که موفقیت‌های بی‌شمار در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و جلوگیری از ایجاد انحراف در مسیر حرکت انقلاب و مقابله هوشمندانه در مقابل دشمنان، مرهون کارآمدی نظریه ولایت فقیه و رهبری هوشمندانه امام راحل و مقام معظم رهبری است؛ از این رو، نظام سلطه از همان ابتدا تقابل و مبارزه خود را برای محو و نابودی جایگاه ولایت فقیه به کار گماردند، اما پس از عدم موفقیت در تقابلی سخت، با ارائه نظریه جنگ نرم از سوی اتاق‌های فکری موساد و سازمان سیا، این تقابل به صورت نفوذ فرهنگی دنبال می‌شود. نفوذ فرهنگی را می‌توان دستکاری افکار مردم و تغییر ذهنیت‌ها و باورهای اصلی جامعه و محاسبات نخبگان و مسئولان، از طریق ابزارهای نفوذ و باهدف بسترسازی برای استحاله و فروپاشی نظام اسلامی از سوی نظام سلطه دانست. از آنجایی که اعتقاد به ولایت فقیه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین باورها در نظام اسلامی است، این تقابل در دوره کنونی به صورت جدی‌تری رقم خورده است.

در نهایت، این پژوهش بیان‌کننده آن است که نظام سلطه در راهبرد نفوذ فرهنگی در تقابل با جایگاه ولایت فقیه از شش شیوه بهره می‌برد؛ این شش شیوه عبارت هستند از: تئوری پردازی، حمایت از روحانیت میانه‌رو، حمایت از اندیشه سکولاریسم، حمایت از جریان شیرازی‌ها و نفوذ در بیوت مراجع.

در بُعد تئوری پردازی، اتاق‌های فکری دشمن با هجمه‌های رسانه‌ای که شامل ساخت فیلم و مستند است این تقابل را دنبال می‌کنند. در این مستندها عوامل نظام سلطه با ادعاهای دروغین به دنبال تخریب چهره امامین انقلاب است تا بدین طریق جایگاه ولایت فقیه را مخدوش کرده، تأثیرگذاری کلام امامین انقلاب را از بین برده، بدبینی نسبت به نظام را

افزایش دهند. هم‌چنین نظام سلطه در بُعد تئوری‌پردازی با کمک تربیت‌شدگان مکتب خود، افرادی چون حجاریان و کدیور و عبدالکریم سرورش، و با تألیف مقاله، کتاب، مجله و با تشکیل حلقاتی چون کیان و سلام و...، پروژه مبارزه با ولایت فقیه را به‌طور بسیار جدی در دوران اصلاحات آغاز و شبهات فراوانی را وارد ذهن مخاطبین خود کردند. بدین ترتیب، با ایجاد تشکیک در مبانی اعتقادی ولایت فقیه و مقایسه این جایگاه با دموکراسی‌های غربی، در پی مشروعیت‌زدایی از این اصل برآمدند.

دشمن با حمایت از جریان روحانیت غیرانقلابی، حمایت از اندیشه سکولاریسم، حمایت از شیعه انگلیسی، نفوذ در بیوت مراجع، به دنبال ایجاد اختلاف در جامعه و از بین بردن وحدت است و با قرار دادن بیوت و مراجع در مقابل رهبری و ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست، در پی ایجاد شکاف بین مردم و ولی فقیه است.

با توجه به آنچه در این تحقیق بیان شد و با توجه به اهمیت موضوع، باید همه پژوهشگران و متولیان فرهنگی و نخبگان علاقه‌مند و دغدغه‌مند سعی و تلاش کنند تا با روشنگری و بصیرت، اهداف دشمن را برای همگان و به‌ویژه نسل جوان، روشن و آنان را از خطرات نفوذ فرهنگی مطلع کنند.

کتابنامه

قرآن کریم

- آیت‌الله خامنه‌ای، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
- آقابخشی، علی‌اکبر، و افشاری‌راد، مینو. (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران، نشر چاپار.
- افراشته، مه‌ری، و فرمان‌فرمایی، تکتم. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین، (هم‌خانگی) مدیریت فرهنگی، ۳۷، ص ۹۹-۱۰۸.
- انصاری، قربانعلی. (۱۳۸۶). اسلام و سکولاریزم تعارضی سازگاری، سفیر، ۳(۱)، ص ۹۵-۱۳۷.
- الفت‌پور، محمدعلی. (۱۳۹۷). نقاب‌ها: جریان‌شناسی نفوذ در تاریخ انقلاب اسلامی. تهران، بی‌نام. (۱۳۸۱). گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای مقابله با آن‌ها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج.
- جمعی از مؤلفان. (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی علی‌آباد، سید روح‌الله. (۱۳۹۷). نگاهی قرآنی به شایعه و شبهه: دوروش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه، مجله معرفت، ۲۴۷(۲۰). ص ۵۹-۶۸.
- حمزه‌پور، علی. (۱۳۹۶). نفوذ فکری و فرهنگی و چالش‌های امنیتی پیش رو با تأکید بر مصرف رسانه نوین در کشور، آفاق امنیت، ۳۵(۱۰)، تابستان ۱۳۹۶، ۱۵۱-۱۲۶.
- خلف‌زاده، رشید، خوزین، حسن، و شریفی، منوچهر. (۱۴۰۰). راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام معظم رهبری، مطالعات دفاع مقدس، ۱(۷)، بهار ۱۴۰۰، ۱۸۱-۱۵۹.
- خراسانی، رضا. (۱۳۸۹). مواجهه غرب و اسلام سیاسی در دوره معاصر، فصلنامه علوم سیاسی، ۴۹، سال سیزدهم، ۹۴-۶۵.
- طالعی حور، رهبر، و بهرامی، رستم. (۱۳۹۴). راهبرد نفوذ ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۸، ۹۰-۷۱.
- سایت خبری جوان آنلاین، دسترسی در: <https://www.javanonline.ir/>
- شاگردین، حمیدرضا. (۱۳۹۱). کارکردهای حکومت دینی و ولی فقیه، کتاب نقد، ۶۰ و ۶۱، زمستان ۹۰ و بهار ۱۳۹۱، ۱۱۴-۹۵.
- عبدخدایی، مجتبی، و بیات، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر نظام بین‌الملل بر الگوی رفتاری بازیگران

دینی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۹، سال چهاردهم، تابستان ۱۳۹۶، ۱۵۸-۱۳۹.

عمید، حسن. (۱۳۵۵). فرهنگ عمید. تهران، جاویدان.

عباس تبار، رحمت، و حسینی، فرزاد. (۱۳۹۶). نظارت بر قدرت و مهار آن در نظریه ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۹، ۱۷۸-۱۵۹. فوران، جان. (۱۳۷۷). مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران. (احمد تدین، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

فوکو، میشل. (۱۳۷۹). ایران روح یک جهان بی روح. (نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، مترجمان). تهران، نشر نی.

قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۵). مردم‌سالاری دینی. تهران، عروج (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام).

کدیور، محسن. (۱۳۸۳). ولایت فقیه و مردم‌سالاری، بازتاب اندیشه، ۴۸، ص ۶۳-۷۲.

کریمی، یوسف. (۱۳۸۹). روان‌شناسی اجتماعی. تهران، نشر سیما.

گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. (۱۳۹۸). نفوذ در ایران. تهران، انتشارات دفتر گروه شهید هادی.

معینی پور، مسعود. (۱۳۹۴). مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین. تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.

ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۷). بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مرادی، عبدالله. (۱۳۹۴/۶/۲۸). گام‌های راهبردی امریکا برای نفوذ در ایران، قابل دسترسی در:

www.irna.ir/?q=node/6559

مرکز مطالعات پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم. معرفی نرم افزار نظام سلطه، مجله مبلغان، ۲۱۲، ۱۱۰-۱۱۲.

موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، قابل دسترسی در:

نائینی، علی محمد. (۱۳۹۱). اصول و مبانی جنگ نرم. تهران، ساقی.
نوروزی، محمدجواد. (۱۳۹۴). فرهنگ، گذرگاه نفوذ در ساحت نظام سیاسی، کیهان فرهنگی،
۶۰-۶۳، ۳۸۴.

نبویان، سید محمود. (۱۳۸۱). انسان و اومانیسیم. تهران، نشریه رواق اندیشه.
نبویان، سید محمود. (۱۳۹۴/۸/۲۰). استراتژی امریکا برای نفوذ در ایران پس از برجام،
قابل دسترسی در:

www.mashreghnews.ir/fa/news/494267

هیرو، دیلیپ، (۱۳۸۶). ایران در حکومت روحانیون. (محمدجواد یعقوبی دارابی، مترجم).
تهران، انتشارات باز.

www.mic.com./Obama

www.jamnews.ir